

حجم معاملات و تأثیر آن در تحلیل تکنیکال

بعد از مشاهده و بکارگیری الگوهای نموداری (Chart Patterns) مختلف، توجه شما به سویی "حجم معامله" جلب می شود. بطور خلاصه، حجم عبارت است از تعداد معاملات خرید و فروش که در یک بازه زمانی (مثلاً یک روز کاری) انجام می شود. بدلیل اینکه حتی الگوهای معتبر و قابل اطمینان، ممکن است گاهی درست از آب در نیایند، حجم معاملات می تواند بعنوان ابزار دیگری برای تشخیص آنچه در بازار اتفاق می افتد، و بویژه آنچه در الگوها اتفاق می افتد، بکار رود. یعنی از ابزار حجم معاملات برای تصدیق و یا مردود دانستن الگوهای نموداری مختلف استفاده کنیم.

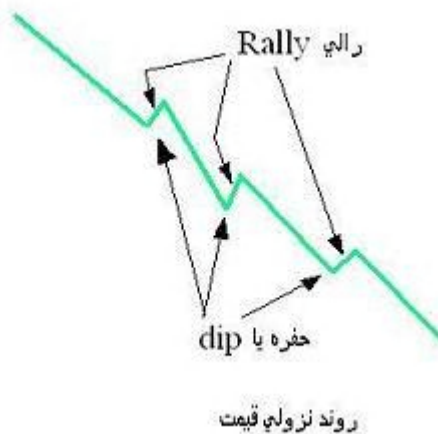
اعتقاد بر این است که **حجم می بایست در جهت قیمت افزایش پیدا کند**. اگر روند غالب قیمت به طرف بالاست، حجم می بایست در روزهای مثبت سنگین تر (بیشتر) و در روزهای منفی سبک تر (کمتر) باشد. این قضیه از نگاه عقل و منطق نیز درست بنظر می رسد چون در روند صعودی، تعداد خریداران می بایست بیشتر از تعداد فروشندگان باشد و در روند نزولی قیمت، تعداد فروشندگان بیشتر از تعداد خریداران است. اگر زمانی حجم معاملات شروع به کم شدن کند، این میتواند اخطاری باشد مبنی بر اینکه روند، قوت و رمق خود را از دست می دهد و ممکن است بزودی تثبیت قیمت (ایست روند - Consolidation) یا شاید یک الگوی برگشت قیمت (Reversal Pattern) اتفاق بیفتد.

اگر در نمودار قیمت سهمی تا بحال روند صعودی قیمت را داشته اید و حالا شاهد حجم معاملات بیشتری روی افت های موضعی قیمت (حفره - Dip) هستید (در مقایسه با حجم معاملات روی قطعات افزایش قیمت - Rally) میتوان این موضوع را زنگ خطری مبنی بر کمزنگ شدن قدرت خریداران و قویتر شدن جناح فروشندگان دانست.

{توضیح: معمولا به افت های موضعی قیمت (dip) گفته میشود که معمولا در یک روند صعودی اتفاق می افتد.



به قطعات با شیب مثبت رو به بالا رالی (Rally) گفته میشود. رالی ها معمولا پس از حفره (dip) ها اتفاق می افتند. رالی ها در روند نزولی کوتاه و در روندهای صعودی بلندترند.



عکس این حالت نیز در روند نزولی قیمت درست است. اگر حجم معاملات روی قطعات نزولی {که در اثر فروش های عمده بوجود می آیند} شروع به کم شدن کند و معاملات بیشتری روی رالی ها اتفاق بیافتد، نشانگر اینست که روند قیمت مورد تردید واقع شده و خریداران شروع به مطرح کردن نقش خود کرده اند. حالتی که حجم معاملات در جهت عکس قیمت حرکت می کند، واگرایی (Divergence) نامیده می شود.

این موضوع یکی از دلایلی است که حجم در زمان تردید و بی تصمیمی بازار تمایل به کم شدن دارد. در مدت حرکت بی جهت (حرکات فرعی - Sideway)، اغلب معامله گران از خرید و فروش خودداری می کنند و ترجیح می دهند منتظر بمانند تا در صورت تشخیص یک روند نزولی برای آینده سهم هر چه زودتر با فروش آن سهم، از آن موقعیت فرار کنند. بغیر از این موضوع که در مواقع بی تصمیمی بازار معمولاً حجم معاملات کم می شود، بررسی حجم معاملات در دوران بی تصمیمی می تواند نشانه هایی از روند آتی قیمت به ما بدهد؛ به این صورت که با مقایسه قدرت خریداران و فروشندگان {در همان حرکت های بی جهت} می توان غلبه یک گروه بر دیگری را حدس زد. مشاهده اینکه آیا در روزهای مثبت حجم سنگین تری وجود دارد یا در روزهای منفی، می تواند برای موضع گیری در دوره حرکت بی جهت (و یا حتی شکل گیری الگوی آینده) مناسب باشد. ایده این است که اگر حجم معاملات بیشتری در روزهای مثبت وجود داشته باشد (نسبت به روزهای منفی)، احتمالاً خریداران جدی تر هستند و وضعیت محتمل برای آینده بازار یک صعود به سمت بالا است. عکس این موضوع نیز درست است: اگر حجم در روزهای منفی سنگین تر است، بازار با احتمال بیشتری به سمت پایین سقوط می کند.

لازم به ذکر است علی رغم اینکه الگوهای نمودار قیمت، حجم معاملات و کلا آنالیز تکنیکال، دارای قابلیت های پیش بینی هستند، اما هیچکدام مصون از خطا نیستند. استفاده همزمان از این روشها می تواند کاملاً به سرمایه گذاری و خرید و فروشهای شما کمک کند، اما در عین حال باید به مسائل مهم دیگری همچون جهت گیری و قضاوت بازار و نیز توجه کافی داشت.

ترجمه: رضا آقا احمدی

منبع :

www.sarmaye.com